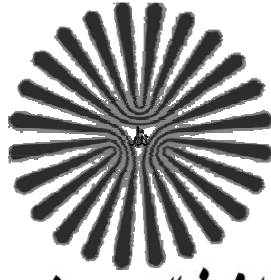


الله
الحمد لله
الرحمن الرحيم



دانشگاه پیام نور

دانشکده الهیات و علوم اسلامی

مرکز تهران جنوب

پایان نامه

برای دریافت مدرک کارشناسی ارشد

رشته فلسفه و کلام اسلامی

گروه الهیات

بررسی تطبیقی مسأله‌ی «تناهی ابعاد اجسام» در منظر علامه

حسن زاده آملی و فلاسفه‌ی مسلمان (ملاصدرا، ابن سینا و سهروردی)

استاد راهنما: دکتر مرضیه اخلاقی

استاد مشاور: دکتر حسن عباسی حسین آبادی

مسعود میشکار مطلق

تیر ۱۳۹۳

تاریخ:
 شماره:
 پیوست:



مرکز تهران جنوب

تصویب نامه

بایان نامه کارشناسی ارشد رشته هیات گرایش فلسفه و کلام
 تحت عنوان:

بررسی تعلیمی سازه تنهی ابعاد اجسام در منظر علامه حسن زاده آملی و فلاسفه مسلمان (ملاصدرا، ابن سینا و سهروردی)

نام خانوادگی: میثاکر مطلق
 شماره پروزه: ۱۷۱۱۱
 تاریخ دفاع: ۱۳۹۳/۴/۲۳
 نام: مسعود
 شماره دانشجویی: ۹۱۷۷۲۶۱۰۱
 ساعت: ۱۴-۱۵/۳۰
 نمره: ۱۹.۵
 درجه ارزشیابی: عالی

هیات داوران:

داوران	نام	نام خانوادگی	کد استادی	مرتبه علمی	امضاء
راهنما	مرضیه	اخلاقی	۴۱۰۱۱۹		
راهنمای دوم	-	-	-		
مشاور	حسن	عباسی حسین آبادی	۴۰۲۰۰۶		
مشاور دوم	-	-	-		
داور	علیرضا	اژدر	۴۱۰۲۸۷		
داور دوم	-	-	-		

تهران، خیابان انقلاب، خیابان
 استاد نجبات الهی، ترسیده به
 چهار راه سینما، دانشگاه پیام نور
 مرکز تهران جنوب، پلاک ۲۳۳
 تلفن: ۸۴۲۲۴
 ۸۸۸۰۱۰۹۰
 فکس: ۸۸۸۰۳۶۸۵
 کد پستی: ۱۵۸۴۶۶۸۶۱۱

نشانی الکترونیک:

www.teh-jonuob.pnu.ac.ir
 Jonuob@tpnu.ac.ir

گواهی اصالت، نشر و حقوق مادی و معنوی اثر

اینجانب مسعود میشکار مطلق دانشجوی ورودی سال ۱۳۹۱ مقطع کارشناسی ارشد رشته فلسفه و کلام اسلامی گواهی می‌نمایم چنانچه در پایان‌نامه‌ی خود از فکر، ایده و نوشته‌ی دیگری بهره گرفته‌ام با نقل قول مستقیم یا غیرمستقیم، منبع و مأخذ آن را نیز در جای مناسب ذکر کرده‌ام. بدیهی است مسئولیت تمامی مطالبی که نقل قول دیگران نباشد بر عهده خویش می‌دانم و جوابگوی آن خواهم بود.

دانشجو تأیید می‌نماید که مطالب مندرج در این پایان‌نامه (رساله) نتیجه تحقیقات خودش می‌باشد و در صورت استفاده از نتایج دیگران مرجع آن را ذکر نموده است.

نام و نام خانوادگی دانشجو
تاریخ و امضاء

اینجانب مسعود میشکار مطلق دانشجوی ورودی سال ۱۳۹۱ مقطع کارشناسی ارشد رشته فلسفه و کلام اسلامی گواهی می‌نمایم چنانچه بر اساس مطالب پایان‌نامه خود اقدام به انتشار مقاله، کتاب، و ... نمایم ضمن مطلع نمودن استاد راهنما، با نظر ایشان نسبت به نشر مقاله، کتاب، و ... و به صورت مشترک و با ذکر نام استاد راهنما مبادرت نمایم.

نام و نام خانوادگی دانشجو
تاریخ و امضاء

کلیه حقوق مادی مترتب از نتایج مطالعات، آزمایشات و نوآوری ناشی از تحقیق موضوع این پایان‌نامه متعلق به دانشگاه پیام نور می‌باشد.

تیر ۱۳۹۳

این پژوهش را تقدیم می‌کنم به حکیم متأله، عالم ربّانی، عارف صمدانی، علامه حسن‌زاده آملی

چکیده

این نوشتار، پس از تعریف بُعد و تناهی در اصطلاح‌های گوناگون، به تقریر نظریه‌ی تناهی ابعاد در فلسفه‌ی اسلامی - در موضع طبیعیات و در بحث از احوال جسم - از منظر ابن‌سینا، سهروردی و ملاصدرا و به بررسی استدلال‌های مربوط می‌پردازد؛ و با اشاره به کاربرد نظریه در اثبات بعضی مسائل طبیعی و مابعدالطبیعی، کتابشناسی نظریه در آثار ایشان هم ترسیم می‌گردد.

پژوهش با پرسش علامه حسن‌زاده‌ی آملی از قائلان تناهی ابعاد پی گرفته می‌شود که اگر هر اثر، نمودار دارائی مؤثر خود است، و کلمات وجودی - که اطوار و شئون اسمائی او هستند - را نهایت نباشد، پس چه چیزی موجب نیل این بزرگان به این حرف شد که مجموع عالم جسم و جسمانی نفاذ یابد؟

فرجام این سلوک علمی، پژوهشگر را از طریق استدلال عقلانی و با استمداد از آیات الهی به این نکته انتقال می‌دهد که کلمات عالم جسمانی غیرمتناهی است، و تناهی ابعاد به تناهی است.

واژگان کلیدی:

ابعاد اجسام - تناهی ابعاد - اجسام - حسن‌زاده - ابن‌سینا - ملاصدرا - سهروردی

فهرست

مقدمه

- ۱- درآمد ۲
- ۲- طرح مسأله و بیان سؤالهای اصلی تحقیق ۳
- ۳- اهمیت و ضرورت تحقیق ۶
- ۴- اهداف تحقیق ۷
- ۵- فرضیه‌های تحقیق ۷
- ۶- مدل شماتیک تحقیق ۹
- ۷- روش تحقیق ۱۰

فصل اول: رأی ابن سینا در باب تناهی ابعاد اجسام

- ۱- ۱- شمای کلی نظریه ۱۲
- ۱- ۲- تعاریف و مفهوم ۱۳
- ۱- ۲- ۱- مفهوم بُعد ۱۳
- ۱- ۲- ۲- مفهوم بی‌نهایت ۱۶
- ۱- ۲- ۳- علل اعتقاد به نامتناهی ۱۸
- ۱- ۳- ۱- براهین اثبات تناهی ابعاد ۲۱
- ۱- ۳- ۱- ۱- برهان تطبیق ۲۲
- ۱- ۳- ۱- ۲- برهان حرکت ۲۴
- ۱- ۳- ۱- ۳- برهان مسامته ۲۷
- ۱- ۳- ۱- ۴- برهان تکلفی ۲۸

- ۳۰ ۳-۱ - ۵ - برهان سلمی
- ۳۷ ۴-۱ - کاربرد مسأله‌ی تناهی ابعاد
- ۳۸ ۱-۴-۱ - اثبات محدد الجهات
- ۳۸ ۲-۴-۱ - اثبات امتناع انفکاک صورت از هیولی
- ۳۹ ۳-۴-۱ - رد مثل افلاطونی

فصل دوم: رأی شیخ اشراق در باب تناهی ابعاد اجسام

- ۴۳ ۱-۲ - شمای کلی نظریه
- ۴۴ ۲-۲ - مقدمه
- ۴۷ ۳-۲ - براهین اثبات تناهی ابعاد
- ۴۷ ۲-۳-۱ - برهان سلمی
- ۴۹ ۲-۳-۲ - برهان ترس
- ۵۰ ۲-۳-۳ - برهان تطبیق
- ۵۲ ۲-۳-۴ - برهان تخلیص
- ۵۴ ۲-۳-۵ - برهان عرشی
- ۵۵ ۴-۲ - کاربرد مسأله‌ی تناهی ابعاد

فصل سوم: رأی صدر المتألهین در باب تناهی ابعاد اجسام

- ۵۸ ۱-۳ - شمای کلی نظریه
- ۵۹ ۲-۳ - مقدمه
- ۵۹ ۳-۲-۱ - مفهوم بی‌نهایت
- ۶۰ ۳-۲-۲ - اشکالات و انحلالات در باب بی‌نهایت
- ۶۴ ۳-۳ - براهین اثبات تناهی ابعاد
- ۶۴ ۳-۳-۱ - برهان مسامته

- ۶۵ ۲-۳-۳ برهان سلمی
- ۶۶ ۳-۳-۳ برهان تطبیق
- ۶۹ ۴-۳ کاربرد مسأله‌ی تناهی ابعاد
- ۶۹ ۴-۳-۱ اثبات بدایت برای زمان
- ۶۹ ۴-۳-۲ اثبات امتناع کسبِ دفعیِ تمام کمالات نفس ناطقه انسانی
- ۷۰ ۴-۳-۳ اثبات امتناع انفکاک صورت از هیولی

فصل چهارم: رأی علامه حسن‌زاده در باب تناهی ابعاد اجسام

- ۷۲ ۴-۱-۱ شمای کلی نظریه
- ۷۳ ۴-۲-۲ تعاریف و مفاهیم
- ۷۳ ۴-۲-۱ مفهوم بُعد
- ۷۳ ۴-۲-۲ مفهوم امور متناهی
- ۷۶ ۴-۳-۳ غرض از تناهی ابعاد
- ۷۸ ۴-۴-۲ رد براهین اثبات تناهی ابعاد
- ۷۹ ۴-۴-۱ برهان سلمی
- ۸۲ ۴-۴-۲ برهان ترسی
- ۸۴ ۴-۴-۳ برهان سیدسمرقندی
- ۸۷ ۴-۴-۴ برهان لام الفی
- ۸۸ ۴-۴-۵ برهان مسامته
- ۸۹ ۴-۴-۶ برهان تخلیص
- ۹۰ ۴-۴-۷ برهان تطبیق
- ۹۲ ۴-۴-۸ برهان عرشی

۹۶ نتیجه گیری ۹-۴-۴

۹۸ بررسی کاربرد مسأله‌ی تناهی ابعاد ۵-۴

۹۸ پذیرش اثبات تلازم هیولی و صورت ۱-۵-۴

۹۹ انکار اثبات محدد الجهات ۲-۵-۴

جمع بندی و نتیجه گیری

۱۰۲ نتیجه گیری ۱-۲

۱۰۳ پیشنهادات کاربردی ۲-۳

منابع تحقیق

۱۰۵ منابع فارسی ۱-۵

۱۰۷ منابع عربی ۲-۷

مقدمه

۱- درآمد

از دیرباز مسئله‌ی بی‌نهایت، یکی از مسائلی بود که ذهن فلاسفه و ریاضیدانان را به خود مشغول کرده بود، و تاریخچه‌ی آن به نحوی از بحث عدد آغاز می‌شود؛ یعنی از آراء فیثاغورث که اشیاء را عدد می‌دانست، و شبهه‌های زنون الیائی که متفکرین را سخت درگیر مناقشات کرد، به طوری که افراط و تفریطها در این مسأله بسیار شد؛ حتی کار بدانجا رسید که بعضی از فلاسفه قائل به سکون و عدم تغییر عالم شدند تا به کلی از تعدد بپرهیزند و گرفتار بی‌نهایت نشوند.

به هر تقدیر، اغلب حکماء وجود نامتناهی را در عالم ناممکن دانستند و هیچ چیز جز حضرت حق را بی‌نهایت نشناخته‌اند. در اینجا این سؤال قابل طرح است:

«چرا حکماء و حتی ریاضیدانان قبل از قرن هیجدهم بی‌نهایت را جائز ندانسته‌اند؟»

شاید یکی از دلایل مهم، آن باشد که فلاسفه خدای متعال را نامتناهی می‌دانند و چون بین نامتناهی‌ها تفاوتی قائل نیستند، لذا چنین می‌پندارند که اگر شیئی از اشیاء این عالم را نامتناهی بدانند، قائل به نوعی شرک باری شده‌اند، و برای فرار از این فکر مشرکانه خود را مجبور دیده‌اند که به هر طریقی دلائلی بر تناهی ابعاد در این عالم اقامه دهند، که در ارائه‌ی این دلائل به اشتباهات بزرگ نیز نائل شده‌اند، به طوری که قبول هر نوع بی‌نهایت را در یک نظام فلسفی محکوم به یک سری تناقضات دانسته‌اند. همین نحوه تفکر شاید باعث شد تا فلکیاتی اختراع نمایند که بر اساس آن، افلاک در جوف یکدیگر قرار گرفته، و از آنجا نظریاتی را در مابعدالطبیعه تأسیس نمودند، که طبق آن، در مقابل هر فلک، عقلی قرار داشت. (علی لاریجانی، ۱۳۸۳: ۷۹)

بحث اصلی ما در این پژوهش، در واقع بررسی ادله‌ی تناهی ابعاد حکمائی نظیر ابن‌سینا، سهروردی و ملاصدرا و نحوه رد این ادله توسط علامه حسن‌زاده آملی است.

۲- طرح مسأله و بیان سؤالهای اصلی تحقیق

حوزه‌های تدریس حکمت متعالیه پس از صدرالدین شیرازی به خود، مدرسان صاحب‌نظری را دید که هر یک علامه‌ی زمان خود بوده و یا هستند؛ و تدریس آثار حکمی وی - از جمله اسفار اربعه و شواهد الربوبیه - و تعلیق نوشتن بر مکتوبات او، نشانه‌ی بارز حکمت‌دانی و فهم فلسفه به شمار می‌آید. از برخی منتقدان وی که بگذریم، بیشینه‌ی حکمائی که پس از وی ظهور یافتند، بر طریقی گام سپردند که او به مدد همراهی قرآن و برهان و عرفان هموار ساخته بود. نظری گذرا به نام شارحان وی نشان می‌دهد که او توانسته بود کسانی را شیفته شیوه و اندیشه‌ی خود کند که در عصر خویش یگانه و دردانه‌ی اهل حکمت و دانش بودند. او به تعبیر شمس تبریزی، شیخان کامل را شکار کرده و مجتهدان علامه را مفتون افکار خویش ساخته بود. کسانی چون ملاعلی نوری، حاج ملاحادی سبزواری، ملاعبدالله زنوزی، علامه طباطبایی و بزرگان بسیاری - که نام بردن از آنها مجال وسیعی می‌طلبد - علی‌رغم دانش و بینش ژرف، خود را در زمره پیروان مشرب ملاصدرا می‌نمودند و به تدریس آثار وی مباحثات می‌کردند و بر مکتوبات وی شرح و تعلیق می‌نگاشتند. یکی از این نادره علامه‌های دوستدار حکمت صدرائی، علامه حسن‌زاده آملی است، که سالیان بسیاری از عمر خود را صرف تصحیح، تدریس و تشریح آثار این حوزه نموده است. هرچند قلم از به کار بردن تعبیر پیرو حکمت متعالیه برای این دانشمند ذوالفنون بر خود می‌لرزد، چرا که ایشان علی‌رغم استفاده از این

مشرّب، خود واجد نوآوری‌های بسیاری در حیطه مسائل حکمت اسلامی است و نکاتی را در میان آورده است که میان اهل حکمت مسبوق به سابقه نبوده است.

ایشان همانند ملاصدرا در تبیین مسائل حکمی و لوازم و فروع آن، از الهام و برهان و قرآن مدد می‌گیرند، بدون آنکه هر کدام از آنها در حد مؤید و منبه صرف تنزل یابد. به این بیان که مباحث فلسفی، عرصه را بر معارف شهودی و عرفانی تنگ نمی‌کند، و آیات و روایات نه تنها از قدر فلسفه نمی‌کاهد و آن را به کلام تنزل نمی‌دهد، بلکه از ارکان تعالی‌بخش فلسفه به شمار می‌رود. فلذا در بیان مسأله «تناهی ابعاد اجسام» که تمام حکمای اسلاف ایشان، با براهینی که در اثبات آن اقامه فرمودند، مهر تأییدی بر آن زده‌اند، این براهین را رو به تباهی می‌دانند و بیان می‌دارند که: غرض این بزرگان از تناهی ابعاد این است که مجموع عالم جسم و جسمانی متناهی است؛ و به عبارت دیگر، جهان ماده پایان می‌یابد؛ در حالی که مبدأ عالم، وجودی بی‌حد و پایان است و بنا بر متعارف فیلسوف هم باید سنخیت بین علت و معلول محقق باشد. علت تعالی شأنه، خودش این حقیقت را به بهترین صورت اداء فرمود که «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ»^۱ و خود از این کل مستثنی نیست؛ چه هر اثر، نمودار دارائی مؤثر خود است؛ بنابراین کلمات وجودی را نهایت نبود، و این عالم که اثر و فعل مبدأ غیر متناهی است، بر شاکلت و مثال علت خود بی‌حد و بی‌پایان است.

«قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مَدَادًا لَكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا»^۲.

۱ - بگو: «هر کس بر حسب ساختار خود عمل می‌کند ...» (اسراء: ۸۴)

۲ - بگو: «اگر دریا برای کلمات پروردگارم مرکب شود، پیش از آنکه کلمات پروردگارم پایان پذیرد، قطعاً دریا پایان می‌یابد، هر چند نظیرش را به مدد [آن] بیاوریم.» (کهف: ۱۰۹)

«وَلَوْ أَنَّ مَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَا نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»^۱.

ایشان در آثار گرانقدرشان مظهر اسم شریف «من لا يشغله شأن عن شأن» هستند که شأن فلسفی مسأله، ایشان را از شأن عرفانی و قرآنی باز نمیدارد. لذا بیان می‌دارند که در صحف کریمه‌ی عارفان اصلاً بحث از تناهی ابعاد عنوان نشده است و تفوه بدان نکرده‌اند و چه خوب کرده‌اند؛ چه موضوع مباحث و مسائل کتب و رسائل آنان حق سبحانه است که وجود مطلق صمد است نه حق منزهی که تنزیه عین تشبیه است، و مشاء بدان رفته‌اند. سخن در روش صاحب اسفار هم این است که وی در تناهی ابعاد به مسیر قوم مشی کرده است با اینکه موضوع حکمت متعالیه همان موضوع صحف عرفانیه است، جز این که عارف به وحدت شخصیه‌ی حقه‌ی حقیقیه‌ی ذات مظاهر قائل است، و آن جناب به وحدت حقه‌ی حقیقیه‌ی ذات مراتب. (حسن حسن‌زاده، ۱۳۶۵: ۵۰۸) و (همو، ۱۳۷۹، ج ۴: ۲۰۰) و (همو، ۱۳۸۵، ج ۴: ۳۱) کیف کان، از قائلان به تناهی ابعاد باید پرسید که چه چیزی موجب شده است که آنان را به این حرف کشانید؟ لذا تحقیق حاضر بر آن است تا تبیین کند:

- ۱- براهین ارائه شده توسط فیلسوفان قائل به تناهی ابعاد اجسام کدامند؟
- ۲- بر این براهین چه نقدهائی وارد شده است؟
- ۳- دیدگاه علامه حسن‌زاده در مورد مسأله‌ی «تناهی ابعاد اجسام» چیست؟

۱- و اگر آن چه درخت در زمین است قلم باشد و دریا را هفت دریای دیگر به یاری آید، سخنان خدا پایان نپذیرد. قطعاً خداست که شکست‌ناپذیر حکیم است. (لقمان: ۲۷)

۳- اهمیت و ضرورت تحقیق

امروزه شیوه و روش مطالعات تطبیقی در گستره‌ی علوم انسانی و الهیات از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است؛ به طوری که بسیاری از محققان بر این امر واقفند که این شیوه‌ی مطالعاتی، نکات مهمی از گستره‌ی اندیشه‌ورزی را مورد نقد و بازخوانی قرار می‌دهد. اگرچه برخی از اندیشمندان با این شیوه مخالفت دارند، و آن را آسیبی به قلمروی مطالعه می‌دانند، اما به هر حال، این شیوه امروزه توانسته از اقبال خوبی برخوردار شود و بنیان‌های فکری یک اندیشه را مورد کاوش قرار دهد.

به دور از مخالفت‌های گروهی با مطالعات تطبیقی و تأکید آنان بر آسیب‌های این روش، نباید از نظر دور داشت که تحولات فکری همانگونه که مرهون تأثیرپذیری درونی است، می‌توانند متأثر از مراودات و برگرفتن از بیرون نیز باشند؛ و مطالعات تطبیقی در حوزه‌هایی چون طبیعیات - و حتی الهیات - می‌توانند نتایج خوبی را سبب شوند. هر مطالعه‌ی تطبیقی متفاوت از مطالعه‌ی دیگر است، از این رو آثار هر نوعی از مطالعه‌ی تطبیقی غیر از نتایج نوع دیگری از آن خواهد بود.

اهم دلایل انتخاب این موضوع به شرح ذیل می‌باشد:

۱- وجود تفاوت در قول تناهی ابعاد اجسام در نگاه علامه حسن‌زاده و سه تن از اساطین فلسفه اسلامی (ابن‌سینا، سهرودی و ملاصدرا)

۲- تأکید علامه بر اهمیت قول «عدم تناهی ابعاد اجسام»

۳- فقدان یک بررسی تطبیقی در حوزه‌ی ابعاد اجسام

۴- ضرورت بررسی براهین تناهی ابعاد در یک مطالعه تطبیقی

۴- اهداف تحقیق

شاید بتوان گفت مطالعات تطبیقی میان اندیشه‌های متفکران اسلامی یکی از کامل‌ترین روشهایی باشد که بتواند امکانهای فراوانی را پیش روی محققین برای استفاده از همه ظرفیتهای مطالعه‌ی موضوع مورد تطبیق از همه دیدگاهها را فراهم آورد؛ که خود این موضوع می‌تواند یکی از مهمترین اهداف این تحقیق باشد.

هدف دیگر تحقیق ما، ارائه‌ی نظریه‌ی «عدم تناهی ابعاد اجسام» از نگاه علامه می‌باشد. فی الواقع رسیدن به مفهوم اصولی تناهی یا عدم تناهی ابعاد اجسام از تطبیق نظریه‌های این اندیشمندان و حکمای مسلمان، هدف غایی این تحقیق می‌باشد. در ذیل به اهداف تحقیق اشاره می‌گردد:

- ۱- ارائه نظریه‌ی تناهی ابعاد اجسام و مؤلفه‌های آن از نظر قائلین به آن؛
- ۲- بیان نحوه‌ی اقامه‌ی براهین تناهی ابعاد از سوی فلاسفه‌ی مذکور
- ۳- تطبیق نظریات علامه و فلاسفه مذکور جهت نیل به یک الگوی مطلوب
- ۴- احصاء تفاوت‌های نظری در حوزه تناهی ابعاد میان حکمای مذکور
- ۵- کمک به ارتقاء بینش پژوهشگران حوزه علوم الهی از عالم جسم و جسمانی

۵- فرضیه‌های تحقیق

۱- هشت برهان اصلی در اثبات مسأله‌ی تناهی ابعاد اجسام از سوی فلاسفه‌ی بزرگ مسلمان ارائه شده است.

«براهین تناهی ابعاد تا بدان حد که در کتب فن دست یافته‌ایم عبارت‌اند از: برهان سلمی و برهان ترسی و برهان مسامته - که همان برهان موازات است - و برهان

تخلیص، و برهان تطبیق، و برهانی که شیخ بهائی در کشکول از سید سمرقندی نقل کرده، و برهان لام الفی که از خود آنجناب - اعنی شیخ بهائی - است، و برهانی که شیخ اشراق در «تلویحات» اقامه کرده و آن را برهان عرشی خوانده است.» (حسن حسن‌زاده، ۱۳۶۵: ۴۹۱) و (همو، ۱۳۶۵: ۳۴۵) و (همو، ۱۳۶۵: ۲۲۷) و (همو، ۱۳۶۲: ۵۷۸) و (همو، ۱۳۷۹، ج ۴: ۱۸۹) و (همو، ۱۳۸۵، ج ۴: ۱۶)

۲- بر این براهین اشکالاتی وارد گردیده و گروهی هم به این اشکالات، پاسخهایی ارائه نمودند.

به عنوان مثال فخر رازی در کتاب «مباحث مشرقیه»^۱ و به وزان او صاحب اسفار در «اسفار»^۲، در صورت تناهی بُعد، سؤال و جواب چندی عنوان کرده‌اند؛ یا ابن‌کمنه بر برهان عرشی شیخ اشراق در «تلویحات»^۳ اعتراض نموده‌اند.

۲- علامه حسن‌زاده، پژوهشگر را از طریق استدلال عقلانی به این نکته انتقال می‌دهند که کلمات عالم جسمانی غیرمتناهی است و تناهی ابعاد به تباهی است.

به عنوان مثال، علامه ابراز می‌دارند که: این‌ها برهان نیست که زحمت کشیده‌اید، «قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ»^۴؛ علاوه این که مبدأ عالم، وجودی بی‌حد و پایان است و بنا بر متعارف فیلسوف هم باید سنخیت بین علت و معلول محقق باشد. (حسن حسن‌زاده، ۱۳۶۵: ۵۰۸) و (همو، ۱۳۷۹، ج ۴: ۲۰۰) و (همو، ۱۳۸۵،

ج ۴: ۳۱)

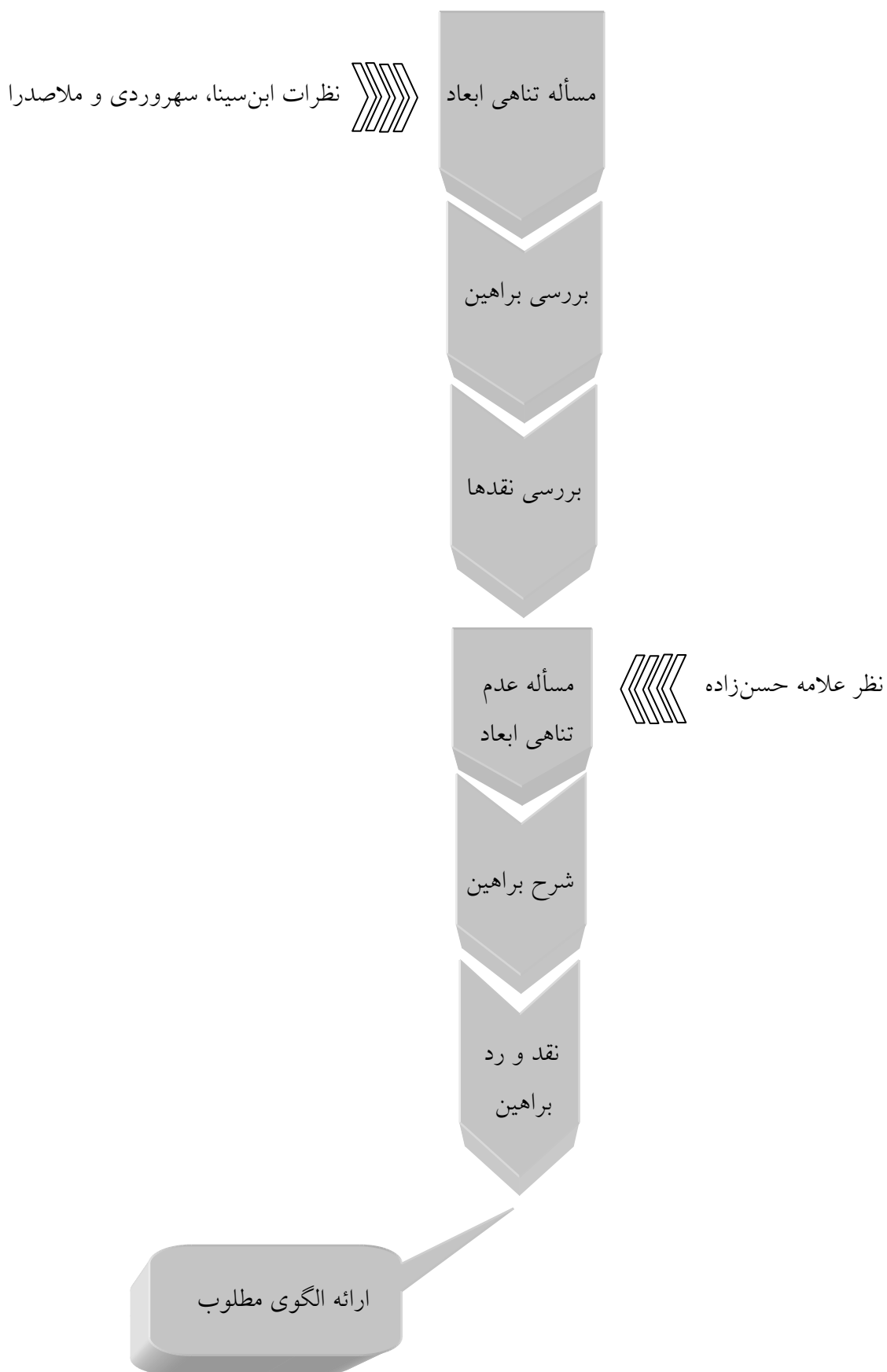
۱ - فن اول؛ فصل یازدهم

۲ - جلد ۴، السفر الثانی، الفن الاول، فصل [۸] فی إثبات تناهی الأبعاد

۳ - المرصد الاول، التلویح الثالث

۴ - بگو: «اگر راست می‌گویید، برهان خویش را بیاورید.» (نمل: ۶۱)

۶- مدل شماتیک تحقیق



۶- روش تحقیق

منظور تحقیق، بررسی مقایسه‌ای دیدگاه‌های چهار اندیشمند و حکیم مسلمان در مسأله‌ی تناهی ابعاد اجسام می‌باشد. برای ارائه‌ی یک مقایسه منطقی، ضرورت ایجاب می‌کند که یک تطبیق دقیق میان اندیشه‌های حکیم معاصر - علامه حسن‌زاده آملی - و سه فیلسوف بزرگ مسلمان - یعنی ابن‌سینا، سهروردی و ملاصدرا - با توجه به عنوان این تحقیق انجام پذیرد. بدین منظور، برای درک و کشف معنا، استفاده از روش تفسیری برای نیل به منظور نظر سخنان، دیدگاه‌ها و رویکردهای اصولی و مؤلفه‌های اصلی موضوع «تناهی ابعاد» از منظر نامبردگان برای این تحقیق اساسی و راهگشا می‌باشد.

سخن از روش تفسیری به معنای استفاده از روش کیفی برای بیان هدف تحقیق می‌باشد، که با استفاده از این روش می‌شود اهداف و نتایج تعریف شده را احصاء کرد. برای این که بتوانیم به نظرات و دیدگاه‌های چهار اندیشمند در این تحقیق دسترسی داشته باشیم، باید به آثار و کتابهای ایشان مراجعه و با انتخاب گزاره‌های مرتبط و مهم با موضوع از آنها برای نیل به مقصود تحقیق استفاده کرد و بدین منظور استفاده از منابع مکتوب و اسناد مرتبط و استناد به آنها با استفاده از روش اسنادی و کتابخانه‌ای برای جمع‌آوری داده‌های تحقیق مورد نظر ما می‌باشد. بعد از جمع‌آوری داده‌های مورد نظر و مرتبط با موضوع تحقیق برای بررسی تطبیقی از روش تحلیل محتوای نظریه‌ها استفاده می‌کنیم تا بتوانیم به نتایج مطلوب تحقیق برسیم ان شاء الله.